



Iranian Scientific Association
of Public Administration



University of
Sistan and Baluchestan

Designing a Model of (Political-Economic) Decentralization in the Provinces of Iran Toward Good Governance

Omid Jalili Ghasem Agha¹ | Foad Makvandi² | Siroos Korahi Moghadam³ | Vahid Chenari⁴ | Arash Jamal Manesh⁵

1. Department of Public Administration, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran. Email: jalili@pnu.ac.ir
2. Department of Public Administration, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran. (Correspondence Author) Email: foad.makvandi@iau.ac.ir
3. Department of Public Administration, Masjed -Soleiman Branch, Islamic Azad University, Masjed -Soleiman, Iran. Email: S_korahi@yahoo.com
4. Department of Public Administration, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran. Email: vahid.chenari@iau.ac.ir
5. Department of Public Administration, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran. Email: jamalmanesh@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 27 April 2023

Received in revised form: 8
July 2023

Accepted: 21 October 2023

Published online: 26
December 2023

Keywords:

Good Governance,
Decentralization,
Policy
Making,
Decision making.

Objective: This study was conducted with the aim of designing a model of decentralization (political-economic) in Iran's provinces in line with optimal governance. The current research is considered to be a developmental research in terms of its purpose, exploratory in terms of its method, and a qualitative method in terms of its data collection method.

Methods: The statistical population consists of 14 executive and academic experts who have a history of education in the field of public administration and valid scientific articles in this field. The main tool of data collection in the field section includes semi-structured interviews. The reliability of the interviews was confirmed by the method of intra-subject agreement and retesting. To analyze the data, foundation data theory was used using MaxQD software.

Results: Based on the results of the qualitative analysis of six categories of factors including causal factors (planning, competence, and flexibility), contextual factors (accountability, public empowerment, responsibility), intervening factors (environmental decentralization), central phenomenon (political-economic decentralization), Strategies (social development, economic management, and promotion of public participation), and consequences (decentralization based on governance, efficiency and effectiveness, formation of public consensus for justice) were identified. Based on the identified components, a paradigmatic model of political-economic decentralization was developed.

Conclusion: Based on the obtained results, public empowerment, responsibility and accountability were identified as the basic conditions for the realization of desirable governance. The growth and development of any society and country is dependent on the efficient and favorable performance of government organizations and institutions, and accordingly, the efficient and favorable performance of the people working in these institutions and organizations.

Cite this article: jalili Ghasem Agha, O., makvandi, F., Korahi Moghadam, S., chenari, V., & Jamal Manesh, A. (2023). Designing a Model of Decentralization (Political-Economic) in Iran's Provinces in Line with Good Governance. *Governance and Development Journal*, 3(4), 33-60. doi: 10.22111/jipaa.2024.420522.1139.

© The Author(s).

Publisher: Iranian Scientific Association of Public Administration & University of Sistan and Baluchestan





مجله مطالعات اقتصادی و سیاسی

حکمرانی و توسعه

شماره ۳۴: ۳۴۶۱-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



مدیریت دولتی و استانی

طراحی مدل عدم تمرکز (سیاسی-اقتصادی) در استان‌های ایران در راستای حکمرانی مطلوب

امید جلیلی قاسم آقا^۱ | فواد مکوندی^۲ | سیروس کراهی مقدم^۳ | وحید چناری^۴ | آرش جمال‌منش^۵

۱. گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. jalili@pnu.ac.ir

۲. گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول). foad.makvandi@iau.ac.ir

۳. گروه مدیریت دولتی، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران. S_korahi@yahoo.com

۴. گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. vahid.chenari@iau.ac.ir

۵. گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. jamalmanesh@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف: این مطالعه با هدف طراحی مدل عدم تمرکز (سیاسی-اقتصادی) در استان‌های ایران در راستای حکمرانی مطلوب انجام شده است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف، از نوع تحقیقات توسعه‌ای و از نظر نوع روش، اکتشافی و از لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها روش کیفی محسوب می‌گردد.

روش پژوهش: جامعه آماری شامل ۱۴ نفر از خبرگان اجرایی و دانشگاهی است که دارای سابقه آموزش در حوزه مدیریتی دولتی و مقالات علمی معتبر در این زمینه هستند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در بخش میدانی شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. اعتمادپذیری مصاحبه‌ها با روش توافق درون موضوعی و بازآزمون مورد تایید قرار گرفت. جهت تحلیل داده‌ها از تئوری داده بنیاد با استفاده از نرم افزار مکس کیودی استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کیفی شش دسته از عوامل شامل عوامل علی (برنامه‌ریزی، شایستگی و انعطاف‌پذیری)، زمینه‌ای (پاسخگویی، توانمندسازی عمومی، مسئولیت‌پذیری)، مداخله‌گر (تمرکززدایی محیطی)، پدیده محوری (تمرکززدایی سیاسی-اقتصادی)، راهبردها (توسعه اجتماعی، مدیریت اقتصادی، و ارتقای مشارکت عمومی)، و پیامدها (تمرکززدایی مبتنی بر حکمرانی، کارایی و اثربخشی، شکل‌گیری وفاق عمومی عدالت‌طلبی) شناسایی شد. بر اساس مولفه‌های شناسایی شده، مدل پارادایمی عدم تمرکز سیاسی-اقتصادی توسعه داده شد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج بدست آمده توانمندسازی عمومی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بعنوان شرایط زمینه‌ای تحقق حکمرانی مطلوب شناسایی شد. رشد و توسعه هر جامعه و کشوری به عملکرد کارآمد و مطلوب سازمان‌ها و نهادهای دولتی و به تبع آن عملکرد کارآمد و مطلوب افراد شاغل در این نهادها و سازمان‌ها وابسته است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

واژه‌های کلیدی:

حکمرانی مطلوب،

تمرکززدایی،

خطامشی‌گذاری،

تصمیم‌گیری

استناد: جلیلی قاسم آقا، امید، مکوندی، فواد؛ کراهی مقدم، سیروس؛ چناری، وحید و جمال‌منش، آرش. (۱۴۰۲). طراحی مدل عدم تمرکز (سیاسی-اقتصادی) در

استان‌های ایران در راستای حکمرانی مطلوب. حکمرانی و توسعه، ۳(۴)، ۳۳-۶۰. doi: 10.22111/jipaa.2024.420522.1139



© نویسندگان

ناشر: انجمن علمی مدیریت دولتی ایران و دانشگاه سیستان و بلوچستان.

در طول دهه گذشته بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به سیاست‌های تمرکززدایی^۱ روی آورده و به نوعی تمرکززدایی را اعمال کرده‌اند. توجه فزاینده به مقوله تمرکززدایی را می‌توان در چند علت جستجو کرد: تمرکززدایی به عنوان ابزار کارآمدی جهت افزایش کارایی بخش عمومی عمل می‌کند هر چند دارای پیامدهای نامطلوبی همچون ایجاد عدم تعادل‌های افقی میان دولت‌های محلی و به خطر افتادن ثبات کلان اقتصادی نیز هست (بشی و کاتور^۲، ۲۰۲۰). از این‌رو، یکی از مهم‌ترین دلایلی که جهت توجیه روند فزاینده تمرکززدایی در جهان ذکر می‌شود آن است که چنین سیاست‌هایی می‌تواند به اهدافی نظیر افزایش رفاه، کارایی و در نهایت رشد اقتصادی منجر شود (کپینگ^۳، ۲۰۱۸). از طرف دیگر، تمرکززدایی موجب تسهیل و تسریع در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود، می‌شود، رقابت بین دولت‌های محلی را افزایش می‌دهد، توسعه منطقه‌ای به همراه می‌آورد و با نزدیک کردن دولت به مردم موجب افزایش شفافیت و پاسخگویی می‌شود (کشوردوست، ۱۴۰۰). مبحث تمرکز و عدم تمرکز، در ارتباط با انواع حکومت‌ها مطرح می‌شود به زبان ساده اگر حکومت در یک جا متمرکز باشد، تک ساخت و اگر از مرکزیت خارج و بین چند واحد محلی تقسیم شده باشد، حکومت فدرالی خواهد بود. نظریه‌پردازان، تمرکز زدایی را خاصیتی مثبت و متمرکز شدن اختیارات را، خاصیتی منفی می‌دانند و معتقدند مرکزیت اختیارات حکومت در نهایت به فروپاشی (سیاسی-اقتصادی) منجر می‌شود (رودریگز، ۲۰۱۸).

امروزه پارادایم حکمرانی مطلوب در مقیاس وسیعی از سطح محلی تا بین‌المللی به کار برده می‌شود. بنابراین، پر واضح است که در این رابطه، نظریه‌های مختلفی نیز ارائه گردد، که به بیان بسیاری از خبرگان و صاحب‌نظران این قلمرو تحقیقاتی، مهم‌ترین و موثرترین نظریه، در راه رسیدن به حکمرانی مطلوب «تمرکززدایی قدرت (سیاسی - اقتصادی)» می‌باشد (چیگیو^۵، ۲۰۲۱). در تعریف تمرکز زدایی سیاسی-اقتصادی، رودریگز^۶ (۲۰۱۸)، در یکی از کامل‌ترین تعاریف ارائه شده در این حوزه عنوان نموده است: تمرکززدایی بعنوان یکی از شاخص‌های کاهش فاصله قدرت مورد توجه قرار گرفته است. تمرکززدایی به معنای تفویض قدرت (در مسائل سیاسی و اقتصادی) منجر به

¹. Decentralization

². Beshi & Kaur

³. Keping

⁴. Centralization

⁵. Chigbu

⁶. Rodríguez

کاهش فاصله قدرت بین سطوح مختلف و فاصله قدرت بین دولت و مردم کاهش می‌یابد (رودریگز، ۲۰۱۸).

امروزه گرایش فزاینده به اجرای سیاست‌های تمرکززدایی در بیشتر کشورهای دنیا مشاهده می‌شود. دلیل این امر را می‌توان در چندین مورد جستجو کرد:

- اول آنکه تمرکززدایی می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد جهت افزایش کارایی بخش عمومی عمل کند زیرا انتظار می‌رود که چنین سیاست‌هایی به اهدافی نظیر افزایش رفاه، کارایی و در نهایت رشد اقتصادی بیانجامد.
- دوم آنکه ریشه گرایش به تمرکززدایی را به ویژه در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، می‌توان در تجربه ناموفق ابرقدرت‌های متمرکز طی دو دهه گذشته جستجو کرد.
- سوم آنکه تمرکززدایی می‌تواند از طریق انتقال قدرت به سطوح پایین‌تر دولت، به منظور کاهش سیطره دولت مرکزی بر اقتصاد ملی مؤثر واقع شود (کوچیا^۱، ۲۰۲۱).

نخستین بار ایده حکمرانی مطلوب و اداره امور با مشارکت مردم و تشکیل نهادهای مردمی - دولتی کوچک از اواخر قرن بیستم به سبب ناموفق بودن دولت‌های متمرکز و توتالیتر^۲ (تمامیت خواه) در مدیریت مطلوب امور عمومی، مورد توجه محافل علمی و سیاسی-اجرایی قرار گرفت و در این مورد پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی در رشته‌های مختلف حقوق، علوم سیاسی، مدیریت، جامعه‌شناسی و جغرافیا صورت گرفت. «مارتین جونز»^۳ به عنوان یک جغرافیدان سیاسی، در زمره نخستین کسانی بود که ایده تحول حکمرانی به حکمروایی (حکمرانی مطلوب) در جریان چگونگی واگذاری اختیارات به حکومت‌های محلی را یک ضرورت اجتناب ناپذیر عنوان کرد (گراهام^۴، ۲۰۱۹).

هدف تمرکززدایی سیاسی این است که به شهروندان یا نمایندگان منتخب آن‌ها قدرت بیشتری در تصمیم‌گیری عمومی بدهد. تمرکززدایی سیاسی اغلب با سیاست کثرت‌گرا و دولت نماینده همراه است، اما می‌تواند با دادن نفوذ بیشتر به شهروندان یا نمایندگان آن‌ها در تدوین و اجرای سیاست‌ها، از دموکراسی‌سازی حمایت کند. با این وجود، به‌رغم برخورداری از حدود صد سال سابقه قانونگذاری

^۱. Coccia

^۲. Totaliter

^۳. Jones

^۴. Graham

درباره شوراهای محلی در راستای تمرکززدایی از امور کشور و ایجاد و تقویت واحدهای غیرمتمرکز محلی، هنوز درباره این موضوعات دچار ضعف‌ها و مشکلات اساسی هستیم. ریشه و علت این مشکلات و موانع را علاوه بر مسائل اجتماعی، سیاسی، تاریخی و اقتصادی می‌توان به لحاظ ابهام جایگاهی و صلاحیتی آن از بعد قانون اساسی و قوانین عادی نیز دانست (افشار و قهرمانی، ۱۳۹۸). ریشه بسیاری از مسائل داخل کشور به حکومت سیاسی بسیط بر می‌گردد که از نوع متمرکز است نه غیرمتمرکز. حکومت در کشورهایی مانند ژاپن، ایتالیا و فرانسه از نوع بسیط و تک‌ساخت است اما نوع حکومت ایران بسیط تک‌ساختی است که در آن تمرکز هم حاکم است. این الگوی حکومتی در دوره مشروطه در ایران پایه‌گذاری شد و در جمهوری اسلامی نیز توسط طراحان قانون اساسی تداوم پیدا کرد. حقوق‌دان‌های اساسی ایران بر مبنای این پارادایم فکر می‌کنند و همین افراد الگوی قانون اساسی ایران را طراحی کرده و در فضای ملی استمرار دادند. بخش عمده‌ای از معضلات کشور، ریشه در این ساخت سیاسی متمرکز دارد که برگشت از آن بسیار دشوار است؛ چون یک فرهنگ سیاسی در این صد سال تولید و یک پارادایم شده است و این پارادایم در افکار عمومی، توده مردم، طبقه دانشگاهی، به ویژه در طبقه موثر مانند حقوقدان‌ها چه حقوق اساسی و چه اداری و نیز علوم سیاسی جا افتاده است (رشیدی، کمانی و موعظی، ۱۴۰۰).

ساختار اقتصادی و سیاسی یک کشور رابطه تنگاتنگ و در عین حال پیچیده ای با یکدیگر دارند، به طوری که ساختار سیاسی کشور به عنوان سیستم هدایتگر مدیریت اقتصادی کشور عمل نموده و منعکس کننده تفکرات اقتصادی آن سیستم سیاسی می باشد. از این حیث هرگونه اختلال در نهاد مدیریتی یک کشور (دولت) با عنوان بی ثباتی سیاسی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه می تواند منجر به بی ثباتی اقتصادی شده و حرکت طبیعی اقتصاد را دچار اختلال نماید که در نتیجه رشد اقتصادی کشور را که به عنوان مهم ترین شاخص عملکرد اقتصادی شناخته می شود کندتر می نماید (اصغری‌پور، احمدیان و منبعی، ۱۳۹۲). ساختار نامطلوب سیاسی-اقتصادی کشور باعث بروز چالش‌های متعددی شده است. در ایران، وجود ناکارآمدی‌های شدید و مزمن بر نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی باعث شده است تا نه مکانیزم‌های مثبت بازار آزاد و نه ابزار سوسیالیستی به کارگرفته شده برای افزایش رفاه و بهبود توزیع ثروت و درآمد و نه حتی دخالت‌های ارشادی به‌خوبی عمل کنند. همین ناکارآمدی در حکمرانی باعث شده است تا به‌رغم اجرای شش‌برنامه توسعه پنج‌ساله، شرایط اقتصادی و غیراقتصادی کشور در مسیر اصلاح قرار نگیرد (نجفی، حاتمی و مسعودنیا، ۱۳۹۵). از سوی دیگر دخالت‌های سیاسی در امور اقتصادی کشور باعث شده است که ساختار اقتصادی کشور شدیداً تحت تاثیر بی ثباتی و نوسانات سیاسی قرار گیرد و این امر به شکل

واضح در ناکارآمدی حوزه‌های مختلفی چون عدم هدایت کارآمد منابع مالی به سمت تولید و سرمایه گذاری، زیان دهی بانک‌ها، وضعیت نامطلوب ترازنامه‌ای و انجماد منابع بانکی، عدم تعادل صندوق‌های بازنشستگی و روند نگران‌کننده پیش رو، انباشت بدهی های دولت و روند فزاینده کمبود منابع بودجه ای برای جبران آن و محدودیت ها و زیان های وسیع ناشی از تحریم های اقتصادی نمود پیدا کرده است (هاشمی، منصور، جمکرانی، ۱۴۰۲).

اساساً تمرکززدایی و نقش بالقوه آن در تحقق حکمرانی مطلوب، مقوله‌ای پیچیده است. اگرچه تمرکززدایی بعنوان یکی از ارکان بهبود نظام حکمرانی در نیم قرن اخیر مطرح شده است؛ اما دو گروه از صاحب‌نظران حوزه علوم سیاسی، دلایلی در حمایت از تمرکزگرایی مطرح کرده‌اند. نخست کسانی که توسعه سیاسی را مستلزم دولتی قدرتمند دانسته‌اند؛ دوم کسانی که بر خطرات تمرکز زدایی انگشت نهاده‌اند. برخی از نظریه پردازان مهمترین عامل برای تمرکز سیاسی را افزایش قدرت و توان و کارایی حکومت قلمداد کرده‌اند (دقتی و یعقوبی، ۱۴۰۲). در مقابل شواهد تجربی زیادی از کشورهای اروپای غربی، آمریکای لاتین و آسیا بدست آمده که نشان می‌دهد تمرکززدایی برای توسعه دموکراسی و نهایتاً تحقق حکمرانی مطلوب، عنصری حیاتی است (مانیا^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). با در کنار هم قرار دادن این گزاره‌ها مشخص می‌شود که کماکان اختلاف‌نظرهای عمده راجع به اهمیت تمرکززدایی وجود دارد. از طرف دیگر، تمرکززدایی مقوله‌ای است که اساساً در بستر حکمرانی تعریف می‌شود، با این وجود جای تعجب دارد که مفاهیم «تمرکززدایی» و «حکمرانی مطلوب» اغلب به صورت جریان‌های تحقیقاتی مجزا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این در حالی است که خطمشی‌های تمرکززدایی به شکل بالقوه نقش موثری در تحقق حکمرانی مطلوب دارند (اسدبک، رضایی منش، شریف زاده، ۱۴۰۲). بعبارت دیگر تاکنون تلاش‌های زیادی برای تبیین ارکان تمرکززدایی از منظر حکمرانی مطلوب انجام نشده است که این امر باعث می‌شود بینش فعلی ما راجع به ابعاد مختلف تمرکززدایی از جامعیت کافی برخوردار نباشد.

با تمام اوصاف فوق، این سؤال که، چگونه عدم تمرکز (سیاسی-اقتصادی) به تحقق حکمرانی مطلوب کمک می‌نماید، به دلیل اختلاف‌نظرها و کمبودهایی که در حوزه ادبیات نظری و پیشینه تحقیق پابرجا است، بدون پاسخ محکم و قطعی به قوت خود باقی است. لذا این تحقیق سؤال اصلی خود را اینگونه طرح می‌کند: مدل عدم تمرکز (سیاسی-اقتصادی) در استان‌های ایران در راستای حکمرانی مطلوب چگونه است؟

^۱ .Manya

ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

مفهوم تمرکززدایی در ساختار حاکمیت به آن شکلی که امروزه می‌شناسیم از اوایل قرن بیستم وارد ادبیات سیاسی شد. در مقابل، حکمرانی مطلوب مفهومی جدیدتر بوده که به طور مشخص از اواسط دهه ۱۹۸۰ ظهور یافت. در این بخش به توضیح مفاهیم اصلی پژوهش اعم از تمرکززدایی و حکمرانی مطلوب پرداخته می‌شود تا بتوان به درک درستی از متغیرهای تحقیق رسید.

تمرکززدایی

عدم تمرکز عبارت از سازماندهی خاص حکومتی است که در آن دولت مرکزی قسمتی از اختیارات محلی خود را به موجب قانون به مجامع منتخب محلی واگذار می‌کند بنابراین عدم تمرکز فرایندی است که این اقدامات را دربردارد: ۱- اعطای اختیار تصمیم‌گیری لازم و کافی به مقامات و سازمان‌ها و انجمن‌هایی محلی و شهرداری‌ها به منظور ایجاد زمینه مساعد جهت مشارکت هر چه بیشتر مردم در تعیین سرنوشت خویش ۲- کاستن از مرکزیت بیش از حد امور در پایتخت. ۳- فراهم آوردن موجبات و امکانات تسریع در امر برنامه‌ریزی و تنظیم طرح‌های عمرانی براساس اولویت. ۴- تسهیل چگونگی اجرای طرح‌ها و برنامه‌های محلی و منطقه‌ای از طریق حذف تشریفات زائد و دست و پا گیر. ۵- ایجاد انگیزه‌های بازدارنده مهاجرت جمعیت به سوی پایتخت. ۶- امکان کاربرد شیوه مدیریت نوین و علمی به جای روش‌های سنتی بروکراسی در سایه شناخت هر چه بیشتر و بهتر نیازها و آرزوها و اولویت به عنوان یک مسئله مهم در امور کشورداری و حاکمیت مطلوب (برادران و ملک الساداتی، ۱۳۹۷).

بسیاری از کشورهای در حال توسعه در زمان استقلال خود می‌خواستند استقلال سیاسی تازه یافته خود را با استقلال اقتصادی تحکیم کنند. رهبران آن‌ها استدلال می‌کردند که این امر با حفظ کنترل اساسی بر آن دسته از نیروهای اقتصادی که می‌توانند آن را سرنگون کنند، مانند سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های تجاری متعلق به خارجی، و منافع اقتصادی داخلی که موقعیت خود را با ارتباطات نزدیک خارجی تقویت می‌کردند، به بهترین وجه به دست آوردند. برای دستیابی به این هدف، اکثر کشورها رویکرد مداخله‌گرایانه، متکی به خود و سوسیالیستی را برای توسعه اتخاذ کردند. این شامل کنترل قیمت‌های کلان اقتصادی، مانند نرخ ارز و نرخ بهره و قیمت‌های تک کالاها و خدمات بود. همچنین شامل اعمال محدودیت‌های کمی بر تجارت و ایفای نقش قابل توجه در تهیه و تولید طیف وسیعی از کالاها و خدمات از جمله کالاها طبقه‌بندی شده به عنوان کالاهای

خصوصی بود (چن^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، در طول دهه ۱۹۸۰ تدابیری برای تمرکززدایی اقتصاد از طریق خصوصی سازی شرکت های بخش عمومی، تمرکززدایی از مدیریت بیش از حد متمرکز دولتی و تقویت دولت های محلی از طریق واگذاری وظایف مختلف که قبلاً به واحدهای دولت مرکزی سپرده شده بود، ابداع شد. کمک کنندگان و دولت ها همچنین به نقش مهم سازمان های غیردولتی (NGO) در ارائه خدمات به جامعه پی بردند و شروع به ابداع راه ها و ابزارهایی کردند تا آن ها را با تلاش های توسعه به شیوه ای هماهنگ، در چارچوب سیاست های تمرکززدایی ملی همراستا کنند (دینگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

اصطلاح "تمرکززدایی" مفاهیم مختلفی را در بر می گیرد که باید قبل از تعیین اینکه آیا پروژه ها یا برنامه ها باید از سازماندهی مجدد سیستم های مالی، اداری یا ارائه خدمات حمایت کنند، در هر کشور خاص به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. تمرکززدایی - انتقال اختیار و مسئولیت وظایف عمومی از دولت مرکزی به سازمان های دولتی تابع یا شبه مستقل و/ یا بخش خصوصی - یک مفهوم پیچیده و چندوجهی است. انواع مختلف تمرکززدایی را باید متمایز کرد زیرا ویژگی ها، پیامدهای سیاستی و شرایط موفقیت متفاوتی دارند. انواع تمرکززدایی عبارتند از: تمرکززدایی سیاسی، اداری، مالی و بازار. ایجاد تمایز بین این مفاهیم مختلف برای برجسته کردن ابعاد متعدد تمرکززدایی موفق و نیاز به هماهنگی بین آن ها مفید است. با این وجود، به وضوح در تعریف هر یک از این اصطلاحات همپوشانی وجود دارد و تعاریف دقیق به اندازه نیاز به یک رویکرد جامع مهم نیست. تمرکززدایی سیاسی، اداری، مالی و بازار نیز می تواند به اشکال و ترکیب های مختلف در بین کشورها، داخل کشورها و حتی در بخش ها ظاهر شود (نایلور^۳ و همکاران، ۲۰۱۹).

اصطلاحاتی مانند "دولت مرکزی" و "دولت های محلی" نیز معمولاً در ادبیات تمرکززدایی استفاده می شود. به طور کلی، اصطلاح «دولت مرکزی» به تمام واحدهای اداره دولتی اطلاق می شود که به طور سلسله مراتبی به کابینه و وزیران مسئول بخش های مختلف اداره مرکزی وابسته هستند. این واحدها ممکن است در مقر دولت مرکزی یا در نقاط مختلف قلمرو مستقر باشند و بسته به اینکه در سطح منطقه ای، استانی، ناحیه ای یا در سطح پایین تر فعالیت می کنند، وظایف متفاوتی داشته باشند. در مورد ایالت های فدرال، دولت مرکزی معمولاً دولت فدرال است. با این حال، دولت های ایالتی درجات زیادی از خودمختاری در بسیاری از مسائل دارند و به عنوان دولت های مرکزی در قلمرو خود

¹ .Chen

² .Ding

³ .Naylor

در آن مسائل عمل می‌کنند. معمولاً اقدامات آن‌ها نیازی به تأیید مقامات سطح بالاتر ندارد. اصطلاح «حکومت محلی» معمولاً به واحدهایی از اداره دولتی اطلاق می‌شود که به صورت سلسله مراتبی به اداره دولت مرکزی برای آن دسته از وظایف عمومی که اختیار انجام آن‌ها را به شیوه‌ای مستقل دارند، وابسته نیستند. نمونه‌های معمول آن ناحیه هستند، اما در برخی کشورها درجات مهمی از خودمختاری در سطوح منطقه‌ای، استانی یا شهری نیز اعطا می‌شود. دولت‌های شهری اغلب فقط در مناطق شهری با اندازه معین ایجاد می‌شوند، در حالی که تمرکززدایی از مسئولیت‌ها برای مناطق روستایی اغلب در سطح منطقه متوقف می‌شود. با این حال، برخی از کشورها، به عنوان مثال، بولیوی، مالی و کبپ ورد، مسئولیت مناطق روستایی را نیز به سطح شهرداری منتقل می‌کنند. کشورهای دیگر، به عنوان مثال هند، دولت‌های محلی روستایی را در سطح روستا (پانچایات) ایجاد کرده‌اند (منصور^۱، ۲۰۲۱).

تمرکززدایی به معنای برقراری ارتباط بدون وجود مرکزیت خاص است. در حالت غیرمتمرکز، برای برقراری ارتباط و انجام یک هدف، مجموعه درگیر به طور مستقیم با یکدیگر تعامل می‌کنند و واسطه یا نهاد مرکزی در بین مسیر قرار ندارند. مقابل این تعریف، متمرکز قرار دارد که همه رویه‌ها و پروسه‌ها از درگاه یک مرکزیت عبور می‌کند و به مرحله ظهور خواهد رسید. تمرکززدایی فرایند توزیع کردن اداره تصمیم‌گیری به طور نزدیک‌تر به مردم است. توزیع بخش‌های اجرایی یا دولت در بخش‌هایی مثل مهندسی، مدیریت، علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی، تکنولوژی و اقتصاد را شامل می‌شود. همچنین در زمینه توزیع جمعیت و اشتغال هم ممکن است کاربرد داشته باشد. جوهر دموکراسی، تجدید اختیارات به کارگیری قدرت است که در نهایت به مشروطه‌سازی قدرت می‌رسد. به این معنا که دارندگان قدرت تنها در شرایط تعیین شده از پیش، می‌توانند قدرت خود را به کار ببرند. نهادها، هنگامی ارزش و اعتبار دارند که به حقوق شهروندان احترام بگذارند و این الزام و اقتضای آزادی است. تمرکززدایی راه دموکراتیک کردن جامعه است زیرا تصمیمات جمعی شهروندان را به هم نزدیک کرده و کمک موثری به ایجاد دموکراسی محلی می‌کند (قدردانی و اسلامی، ۱۴۰۰).

¹. Mansoor

حکمرانی مطلوب

حکمرانی می‌تواند کاستی‌های خاص دولت و بازار را در مقررات و هماهنگی جبران کند، اما هرگز نوشدارو^۱ نیست. همانطور که دولت و بازار ممکن است در تخصیص منابع اجتماعی شکست بخورند؛ حکمرانی نیز می‌تواند شکست بخورد. بنابراین، چالش طبیعی پیش‌روی دانشمندان این است که چگونه بر شکست آن فائق آمده و آن را مؤثرتر سازند. در پاسخ به این چالش، بسیاری از محققان و سازمان‌های بین‌المللی مفاهیمی مانند فراحاکمیت، حکمرانی سالم، حکمرانی مؤثر و حکمرانی مطلوب را ارائه کرده‌اند. در میان آن‌ها، تأثیرگذارترین واژه «حکمرانی مطلوب» است. حکمرانی مطلوب، نشان دهنده همکاری فعال و سازنده بین دولت و شهروندان است و رمز موفقیت آن در اختیارات مشارکت‌کنندگان (شهروندان یک کشور) در اداره سیاسی نهفته است (زربیان و لویس رومرو^۲، ۲۰۲۳). تنها زمانی که شهروندان از قدرت سیاسی کافی برای شرکت در انتخابات، سیاست‌گذاری، اداره و نظارت برخوردار باشند، می‌توانند دولت را تشویق کنند و با آن دست‌به‌دست هم دهند تا اقتدار و نظم عمومی را ایجاد کنند. ظاهراً دموکراسی تنها مکانیسم عملی است که می‌تواند از قدرت سیاسی کاملاً آزاد و برابر متعلق به شهروندان محافظت کند. از این‌رو، حکمرانی مطلوب به طور ارگانیک با دموکراسی ترکیب می‌شود. در یک نظام استبدادی، زمانی که نظام در بهترین حالت خود قرار دارد، امکان داشتن حکومت خوب وجود دارد، اما داشتن حکمرانی مطلوب غیرممکن است. حکمرانی مطلوب تنها در یک نظام سیاسی آزاد و دموکراتیک امکان‌پذیر است، زیرا بدون آزادی و دموکراسی نمی‌تواند ظهور کند (ججا و آدیتیا^۳، ۲۰۲۲).

در واقع، دلایل عمیق‌تری وجود داشت که چرا نظریه و عملکرد حکمرانی مطلوب در دهه ۱۹۹۰ ظهور کرد. اول از همه، حکمرانی مطلوب بیشتر از دولت خوب به معنای سنتی آن کاربرد دارد. دولت خوب دارای حوزه پوششی مشابه با ایالت است. در جامعه مدرن، دولت نمی‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها، از سازمان‌های مدنی مانند شرکت‌ها، جوامع، باشگاه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای گرفته تا جامعه بین‌المللی مداخله کند. در مقابل، حکمرانی مطلوب مشمول دامنه پوشش دولت نیست، زیرا برای شرکت‌ها، جوامع، مناطق، ایالت‌ها و جامعه بین‌المللی نیز ضروری است. دوم، جهانی شدن در حال تبدیل شدن به ویژگی غالب عصر ما است، که در واقع بسیاری از آن به عنوان «عصر جهانی» یاد

^۱ panacea

^۲ Zerbian & Luis Romero

^۳ Jaja & Aditya

می‌کنند(حمید^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از ویژگی‌های مهم جهانی شدن، نفوذ روزافزون سازمان‌های فراملی و بین‌المللی و کاهش حاکمیت دولت_ملت‌ها و کاهش قدرت دولت‌های آنهاست. از آنجایی که اقتدار دولتی دولت-ملت‌ها به معنای سنتی تحلیل می‌رود، حکمرانی مطلوب نقش مهمی ایفا می‌کند. به این دلیل که جامعه بین‌المللی و جامعه درون یک دولت هنوز خواهان اقتدار و نظم عمومی هستند، نوع جدیدی از اقتدار و نظم عمومی که تنها از طریق حکمرانی مطلوب حاصل می‌شود، نه اینکه توسط دولت به معنای سنتی ایجاد شود (گراهام، ۲۰۱۹).

به‌طور خلاصه، حکمرانی مطلوب به فرآیند مدیریت عمومی اطلاق می‌شود که منافع عمومی را به حداکثر می‌رساند. یکی از ویژگی‌های اساسی آن این است که نوعی مدیریت مشارکتی زندگی عمومی است که هم توسط دولت و هم از سوی شهروندان انجام می‌شود و یک رابطه جدید بین دولت سیاسی و جامعه مدنی و نیز وضعیت بهینه آن دو است. برای جمع‌بندی تمام دیدگاه‌های حکمرانی مطلوب، می‌توان اذعان کرد که حکمرانی مطلوب شش اصل اساسی دارد:

۱. مشروعیت: به حالت یا کیفیتی اطلاق می‌شود که نظم و اقتدار اجتماعی داوطلبانه به رسمیت شناخته شده و مورد اطاعت قرار می‌گیرد.

۲. شفافیت: به اطلاع‌رسانی سیاسی اشاره دارد. همه شهروندان حق دریافت اطلاعات در مورد سیاست‌های دولت را دارند که به منافع خود مربوط می‌شود، از جمله فعالیت‌های قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، مقررات قانونی، اجرای سیاست‌ها، بودجه اداری، هزینه‌های عمومی و سایر اطلاعات سیاسی مرتبط.

۳. مسئولیت‌پذیری^۲: مسئولیت‌پذیری به معنای مسئول دانستن هر فرد در مورد رفتار خود است. در مدیریت دولتی، مسئولیت‌پذیری به وظایف مربوط به یک موقعیت یا نهاد معین و تعهدات مربوط به آن اشاره دارد. پاسخگویی به این معناست که مدیران و نهادهای اداری باید وظایف و تعهدات پستی را که دارند انجام دهند.

۴. حاکمیت قانون: اساساً، حاکمیت قانون به این معنی است که قانون، اصل عالی در اداره سیاسی عمومی است که باید توسط همه مقامات دولتی و شهروندان، که همه باید در برابر قانون برابر باشند، رعایت شود.

¹.Hamid

².Accountability

۵. پاسخگویی^۱: پاسخگویی ارتباط تنگاتنگی با مفهوم پاسخگویی فوق الذکر دارد. به یک معنا، گسترش مسئولیت‌پذیری است. اساساً به این معناست که مدیران و دستگاه‌های اجرایی باید به موقع و مسئولانه به خواسته‌های شهروندان پاسخ دهند و تأخیر بدون دلیل یا حل نشدن موضوعی بدون پاسخ ممنوع است.

۶. اثربخشی: عمدتاً به کارایی مدیریت اشاره دارد. اثربخشی دو معنای اساسی دارد: ساختار اداری منطقی، رویه‌های اداری طراحی شده علمی و فعالیت‌های اداری انعطاف‌پذیر؛ و به حداقل رساندن هزینه‌های اداری. فعالیت‌های اداری ناکارآمد یا با بازدهی پایین با حکمرانی مطلوب منافات دارد. هر چه سطح حکمرانی مطلوب بالاتر باشد، اثربخشی مدیریت نیز بالاتر خواهد بود (موتیلال^۲ و همکاران، ۲۰۲۱).

محمدی (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان تمرکززدایی مالی و توسعه منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه کشور انجام داد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که با وجود تأکیدات زیاد مقامات دولتی بر اهمیت تمرکززدایی، آنچه در عمل مشاهده می‌شود فاصله زیادی با حالت ایده‌آل دارد. به عبارت دیگر نتیجه بدست آمده حاکی از آن است که اقدامات فعلی برای تمرکززدایی چندان موفق نبوده است. کشوردوست (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان سنجش موانع و چالش‌های پیش روی تحقق تمرکززدایی در ایران انجام داد. بر اساس نتایج بدست آمده مجموعه‌ای از موانع تمرکززدایی شامل عدم مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شورایی، وجود رانت در نظام اقتصادی کشور، کمبود اختیارات شوراها و حتی عدم استفاده مناسب از فناوری شناسایی شد.

عزیزی و همکاران (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان ارزیابی چارچوب هنجاری برنامه‌ریزی استراتژیک در تحقق حکمروایی خوب شهری در منطقه ۲۲ تهران انجام دادند. بر اساس یافته‌های این تحقیق مشخص شد که بین اهداف طرح حکمروایی خوب شهری و نتایج (خروجی‌های) اجراء این طرح اختلاف فاحشی وجود دارد. تابع افشار و قهرمانی (۱۳۹۸) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر تمرکززدایی دولت بر کاهش فساد اداری با نقش میانجی استقرار دولت الکترونیک انجام دادند. نتایج نشان داد که

^۱. Responsiveness

^۲. Motilal

تمرکززدایی دولت بر استقرار دولت الکترونیک، استقرار دولت الکترونیک بر کاهش فساد اداری، و تمرکززدایی دولت بر کاهش فساد اداری تاثیر مثبت داشته است.

تسلیوس^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی به نقش کیفیت حکمرانی در رابطه بین تمرکززدایی سیاسی و نابرابری اقتصادی پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که افزایش تمرکززدایی باعث کاهش نابرابری می‌شود. با این حال، این کاهش برای کشورهایی با کیفیت نسبتاً پایین حکمرانی، قوی‌تر است، احتمالاً به این دلیل که سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در این کشورها نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. در مطالعه‌ای دیگر، اونوفری^۲ و همکاران (۲۰۲۲) مطالعه‌ای با عنوان تمرکز زدایی اقتصادی، حکمرانی خوب و توسعه منطقه‌ای انجام دادند. این تحقیق بر اساس بررسی سیاست‌های سه دهه اخیر در کشورهای اروپایی انجام شده است. بر اساس نتایج بدست آمده مشخص شد که آن دسته از کشورهایی که عملاً سیاست تمرکززدایی اقتصادی را در پیش گرفته‌اند، به سطح بالاتری از شاخص‌های حکمرانی خوب و توسعه منطقه‌ای دست یافته‌اند. فوا^۳ (۲۰۲۲) مطالعه‌ای با عنوان تمرکززدایی، ظرفیت‌سازی و ارائه خدمات دولتی در دوران پس از فروپاشی شوروی انجام داد. این مقاله برگرفته از داده‌های یکی از رادیکال‌ترین موارد اخیر عدم تمرکز مالی و اداری است: روسیه پس از شوروی از اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰. این مقاله نشان می‌دهد که میزان ظرفیت‌سازی جوامع محلی، یک پیش‌بینی کننده قوی راجع به موفقیت تمرکززدایی و بهبود ارائه خدمات عمومی است. شهباز^۴ و همکاران (۲۰۲۲) مطالعه‌ای با عنوان تاثیر تمرکززدایی مالی بر بهبود مدیریت کلان انرژی در کشور چین انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که تمرکززدایی مالی تأثیر مثبتی بر تقاضا برای انرژی‌های تجدیدپذیر دارد. به عبارت دیگر، تمرکززدایی مالی می‌تواند به افزایش تقاضای انرژی‌های تجدیدپذیر کمک کند. پرمای^۵ و همکاران (۲۰۲۱) مطالعه‌ای با عنوان تمرکززدایی مالی و تاثیر آن بر عملکرد اقتصادی با استفاده از رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی انجام دادند. با استفاده از داده‌های مربوط به کشورهای اروپایی، آفریقایی و آمریکای لاتین این نتیجه حاصل شد که تمرکززدایی مالی به شکل بالقوه می‌تواند بر عملکرد اقتصادی تاثیر داشته باشد؛ اما میزان این تاثیرگذاری متناسب با منطقه جغرافیایی (کشور مورد مطالعه) متفاوت است.

1. Tselios

2. Onofrei

3. Foa

4. Shahbaz

5. Permai

چیگبو (۲۰۲۱) متدلوژی ساخت شاخص‌های حکمرانی مطلوب را نشان می‌دهند. در این مطالعه حکمرانی مطلوب از چهار شاخص اصلی: حاکمیت قانون، کارایی و اثر بخشی دولت، کیفیت مقررات، توسعه و پیشرفت اجتماعی تشکیل شده است. هر کدام از این شاخص‌ها از مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده‌اند. مادهانی^۱ (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی تاثیر مولفه‌های حکمرانی خوب در افزایش ارزش و شفافیت سازمان‌ها پرداخت. این مطالعه با رویکرد مروری-توصیفی انجام شده است و در آن بیان شده است که حکمرانی خوب باعث بهبود اعتماد سرمایه‌گذاران، وام دهندگان و کلیه ذینفعان سازمان می‌شود. به طور خاص بررسی ادبیات نشان می‌دهد که با افزایش تمرکز بر حاکمیت قانون، سطح شفافیت و ارزش سازمان‌های دولتی افزایش پیدا می‌کند. استپتو^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی به بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر جامعه و رابطه آن با بی‌عدالتی و تخلفات قومیتی پرداختند. در این تحقیق از هر دو روش کمی و کیفی برای ارزیابی رابطه بین متغیرها استفاده شده است. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۰۱۴ نفر از شهروندان بریتانیایی بوده است که از قومیت‌های مختلف انتخاب شده‌اند. نتایج نشان داد که با تسلط حکمرانی خوب بر جامعه میزان بی‌عدالتی‌ها کاهش یافته و در عین حال تخلفات قومیتی کاهش می‌یابد. چوداری^۳ (۲۰۱۹) در تحقیقی به بررسی تاثیر اقدامات انجام شده جهت تمرکززدایی و افزایش اختیارات حکومت‌های محلی بر تحقق حکمرانی خوب پرداخت. این مطالعه در کشور نپال انجام شده و از مصاحبه با مدیران شهری برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که اگرچه تمرکززدایی نقش موثری در تحقق حکمرانی خوب دارد؛ اما سیاست‌های کشور نپال در چهار دهه اخیر جهت تمرکززدایی امیدوارکننده نبوده است.

روش پژوهش

نظر به این که هدف اصلی از انجام این تحقیق، طراحی مدل عدم تمرکز سیاسی-اقتصادی در استان‌های ایران در راستای حکمرانی مطلوب است، می‌توان گفت پژوهش حاضر از نظر هدف در حیطه تحقیقات توسعه‌ای است. از لحاظ رهیافت نیز این تحقیق ذیل مطالعات اکتشافی قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر از نوع روش تحقیق کیفی اکتشافی است، بر این اساس با استفاده از رویکرد کیفی

¹. Madhani

². Steptoe

³. Chaudhary

ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های موثر بر عدم تمرکز سیاسی-اقتصادی شناسایی شده و مدل تحقیق طراحی می‌شود.



شکل ۱. نمای شماتیک فرایند اجرای تحقیق

مشارکت‌کنندگان در این تحقیق شامل خبرگان اجرایی و دانشگاهی است که دارای سابقه آموزش در حوزه مدیریتی دولتی و مقالات علمی معتبر در این زمینه هستند. برای تعیین نمونه‌های این پژوهش و تعیین این گروه از خبرگان از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند^۱ استفاده شد. ملاک تعیین حجم نمونه در این پژوهش، رسیدن به اشباع نظری بوده است که بعد از ۱۴ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد. برای نمونه‌گیری از تکنیک گلوله برفی استفاده شده است. در تحقیق حاضر با توجه به موضوع و اهداف تحقیق از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. جهت تعیین روایی و پایایی مصاحبه‌ها از دو روش بازآزمون و توافق دوکدگذار استفاده شده است. در این پژوهش از روش تئوری داده بنیاد (گراندد تئوری) اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) برای تحلیل داده‌های کیفی استفاده شد. تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از نرم افزار مکس کیودی انجام شده است.

^۱ Judgemental Sampling

یافته‌های پژوهش

در جدول ذیل، مشخصات دموگرافیک خبرگان شرکت‌کننده در مصاحبه به تفکیک جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه‌کاری ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان

درصد	فراوانی	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	
%۶۴.۳۹	۹	جنسیت	
		مرد	
%۳۵.۷۱	۵	جنسیت	
		زن	
%۳۵.۷	۵	سن	
		کمتر از ۳۵ سال	
		۳۵ تا ۴۵ سال	
%۵۰	۷	سن	
%۱۴.۳	۲	۴۵ سال و بیشتر	
%۴۲.۸۶	۶	تحصیلات	
		کارشناسی ارشد	
%۵۷.۱۴	۸	تحصیلات	
		دکتری	
%۷.۱	۱	سابقه‌کاری	
		۳ تا ۶ سال	
		۶ تا ۹ سال	
		۹ تا ۱۲ سال	
%۶۴.۳	۹	سابقه‌کاری	
%۲۸.۶	۴	سابقه‌کاری	
۱۰۰	۱۴	کل	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام شده چند مصاحبه نمونه، انتخاب شده و کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی، برای هر کدام از مصاحبه‌ها، باهم مقایسه شده‌اند.

درصد پایایی = تعداد توافقات * ۲ / تعداد کل داده‌ها * ۱۰۰ درصد

در این پژوهش سه مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند و با فاصله زمانی یک ماه مجدداً کدگذاری شده‌اند. با توجه به این که میزان پایایی بازآزمون ۸۸ درصد است و این مقدار بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری مورد قبول است.

برای محاسبه پایایی با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یکی از دانشجویان مدیریت درخواست شد تا در این آزمون به عنوان همکار پژوهشی مشارکت کند. درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

درصد پایایی = تعداد توافقات * ۲ / تعداد کل داده‌ها * ۱۰۰ درصد

با توجه به این که میزان پایایی دو کدگذار ۷۹ درصد است و این مقدار بیشتر از ۶۰ درصد است قابلیت اعتماد کدگذاری مورد قبول است.

کدگذاری باز

این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب مضامین بالقوه و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده در قالب مضامین مشخص شده است. در واقع محقق، تحلیل کدهای خود را شروع کرده و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک مضامین کلی ترکیب شوند.

کدگذاری محوری

کدگذاری محوری دومین مرحله تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی داده بنیاد است. بر اساس «رهیافت نظاممند» استراوس و کوربین (۱۹۹۸) مقوله‌های استخراج شده از داده‌های خام مصاحبه در قالب الگویی به نام الگوی کدگذاری محوری گردآوری می‌شوند. این الگو شامل ۶ محور به ترتیب زیر است:

۱. شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که مقوله محوری تأثیر می‌گذارند؛
۲. مقوله محوری: مقوله‌ای اصلی که می‌توان دیگر مقوله‌ها به آن ربط داده و به کرات در داده‌ها ظاهر می‌شود؛
۳. اقدامات: کنش‌ها و برهم کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود؛
۴. زمینه‌ها: شرایط خاصی که بر اقدامات تأثیر می‌گذارند؛
۵. شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبرها تأثیر می‌گذارند؛
۶. پیامدها: خروجی‌های حاصل از به‌کارگیری اقدامات.

کدگذاری گزینشی

در نظریه پردازی بنیادی، تلفیق داده‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. در فرآیند تحقیق پس از گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر آن‌ها نوبت به ارائه مدل، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی تحقیق می‌رسد. در گام اول با بررسی وضعیت موجود، داده‌های به دست آمده در ۹ مقوله اصلی طبقه‌بندی می‌شوند. با نظر اساتید و کارشناسان امر، از کلیه شاخص‌های به دست آمده از تحلیل کیفی ۱۴ مصاحبه، شامل ۹ مقوله و تعداد ۳۰ شاخص، جهت تدوین مدل عدم تمرکز (سیاسی-اقتصادی) در راستای حکمرانی مطلوب به کار گرفته شده است.

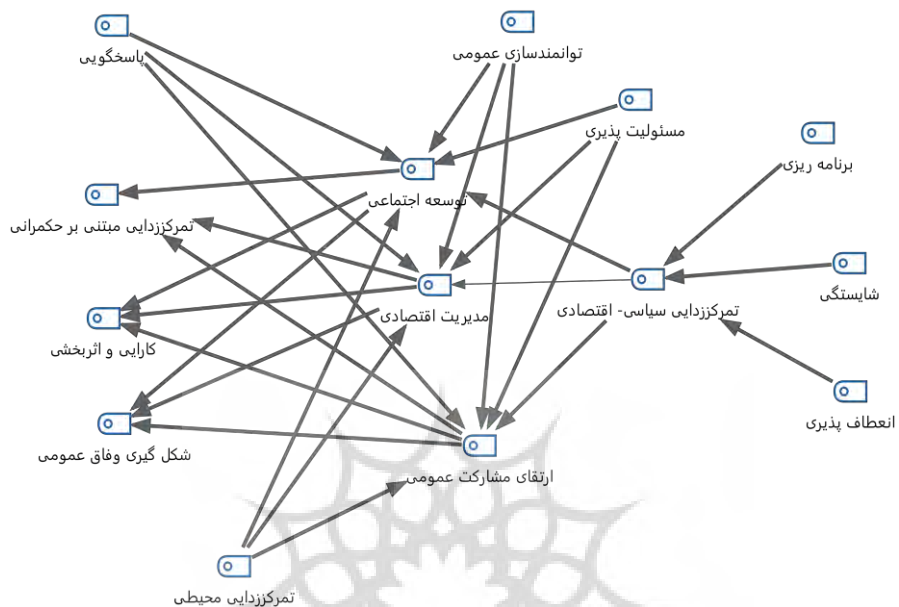
شکل شماره ۲، نشان‌دهنده مدل پارادایمی عدم تمرکز (سیاسی-اقتصادی) در راستای حکمرانی مطلوب است.





شکل ۲. مدل پارادایمی عدم تمرکز سیاسی-اقتصادی در راستای حکمیزه مطلوب

خروجی نهایی نرم افزار مکس کیودی ۲۰ در نمودار ۱ ارائه شده است:



نمودار ۱. خروجی نرم افزار مکس کیودی^۱

نتیجه گیری

بر اساس نتایج بدست آمده توانمندسازی عمومی، مسئولیت پذیری و پاسخگویی به عنوان شرایط زمینه‌ای تحقق حکمرانی مطلوب شناسایی شد. رشد و توسعه هر جامعه و کشوری به عملکرد کارآمد و مطلوب سازمان‌ها و نهادهای دولتی و به تبع آن عملکرد کارآمد و مطلوب افراد شاغل در این نهادها و سازمان‌ها وابسته است. امروزه با پیچیده شدن روزافزون شرایط سازمان‌ها و افزایش میزان کارهای غیراخلاقی و غیرقانونی در محیط‌های کاری، توجه مدیران و رهبران به ایجاد و حفظ اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی در همه سازمان‌ها ضرورت پیدا کرده است. یکی از چالش‌های مدیران کارآمد، در سطوح مختلف چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی، شاغل در تمام حرفه‌ها است، تا آن‌ها با حس مسئولیت، و تعهد کامل به مسائل در جامعه و حرفه خود به کار بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند. در این راستا، کوزه‌گر و همکاران (۱۳۹۸) نیز به اهمیت توانمندسازی عمومی برای تحقق حکمرانی مطلوب اشاره کرده‌اند.

^۱. MAXQDA20

همچنین، پاسخگویی مسئله مهم و چالش‌آور در نظام‌های اداری و سیاسی بیشتر کشورها بوده و هست و عدم پاسخگویی مناسب و به موقع کارکنان، منجر به ایجاد جبهه بی‌اعتمادی و سردی کارکنان، نسبت به سازمان می‌شود. در تایید این یافته‌ها پیش از این کشور دوست (۱۴۰۰) نیز پایین بودن سطح پاسخگویی را بعنوان یکی از چالش‌های تحقق تمرکززدایی در کشور معرفی کرده است که با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. اخلاق به معنی اعتماد، صداقت، درستی، عدالت، فضائل شهروندی و خدمت به جامعه است. که به صورت منشور اخلاقی و قوانین رفتار حرفه‌ای پا به درون سازمان نهاد است. سازمان‌ها با ایجاد یک برنامه مدیریت اخلاق، می‌توانند اخلاقیات را در محیط کار مدیریت کنند. تجربه کشورهای دیگر نیز به وضوح نشان می‌دهد که پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری همبستگی زیادی با تحقق حکمرانی مطلوب دارد (منصور، ۲۰۲۱؛ شهباز و همکاران، ۲۰۲۲).

در رابطه با شرایط علی، سه مقوله اصلی برنامه‌ریزی، شایستگی و انعطاف‌پذیری شناسایی شد. در حوزه حکمرانی، برنامه‌ریزی عبارت است از تعیین اهداف و یافتن راه وصول به آن و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در مورد این که چه راه‌هایی باید صورت گیرد و طراحی وضعیت مطلوب برای آینده و انتخاب راه‌ها و وسایل رسیدن به آن و طراحی عملیاتی و اجرایی بر مبنای شیوه‌هایی که در اهداف مشخص شده است در نگرش دیگر برنامه‌ریزی عبارت است از: دست یافتن به هدف مورد نظر فرآیند برنامه‌ریزی که از هفت عنصر تشکیل شده شامل مأموریت سازمانی و تحلیل استراتژیک و استراتژی‌ها و اهداف بلندمدت و برنامه‌ریزی تلفیقی و برآورده‌های مالی و خلاصه اجرایی. اونیوفری و همکاران (۲۰۲۲) اشاره دارند که آن دسته از کشورهای اروپایی که برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه‌تری برای تمرکززدایی داشته‌اند، در تحقق حکمرانی مطلوب موفق‌تر بوده‌اند. در کشورهای در حال توسعه چند دسته وظیفه اصلی «پی‌ریزی حکومت قانون و تضمین اجرای مقررات»، «ایجاد ثبات اقتصادی کلان»، «ایجاد و ارتقا زیرساخت‌ها»، «ارائه خدمات رفاهی»، «حفاظت از محیط زیست» و «تقویت توان تولیدی اقتصاد ملی» را به طور خلاصه می‌توان مهم‌ترین فعالیت‌های بخش عمومی عنوان کرد. اجرای بدون نقص و کامل هر یک از این ۶ وظیفه نیازمند تقویت قدرت برنامه‌ریزی در کشور است. علاوه بر این، موارد اقتصاد ایران واجد ویژگی‌های خاصی است که ضرورت توجه مناسب به امر برنامه‌ریزی را در این اقتصاد دوچندان می‌سازد. همانگونه که هاشمی پور و همکاران (۱۴۰۲) اشاره کرده‌اند فقدان برنامه‌ریزی اصولی و مبتنی بر واقعیت، یکی از دلایل ضعف ساختار اقتصادی-سیاسی کشور ایران است که منجر به مشکلات متعددی هم برای دستگاه‌های اجرایی و هم برای بنگاه‌های اقتصادی شده است. بنابراین نتیجه بدست آمده در مطابقت با یافته‌های مطالعات پیشین (لیواناگ و

ویس^۱، ۲۰۱۸؛ هلیول^۲ و همکاران، ۲۰۱۸؛ چیگبو، ۲۰۲۱) بر این نکته تاکید دارد که شایستگی یک عامل علی تاثیرگذار در تحقق/عدم تحقق حکمرانی مطلوب است.

تمرکز زدایی سیاسی - اقتصادی بعنوان پدیده محوری شناسایی شدند. در رابطه با پدیده محوری شاخص‌هایی شامل ثبات سیاسی، وحدت ملی، اصلاح قوانین، نقش نظارتی دولت، نقش سیاست‌گذاری دولت، تقویت قوه مقننه، حاکمیت قانون، دیدگاه استراتژیک، کاهش قدرت سیاسی دولت مرکزی، افزایش مشروعیت سیاسی، افزایش کارایی نظام، قدرت بسط سیاست‌ها، قدرت اجرای سیاست‌ها، افزایش رابطه نزدیک‌تر بین مردم و حکومت، توسعه احزاب سیاسی کثرت‌گرا، کاستن از مرکزیت بیش از حد امور در پایتخت، و غیره شناسایی شد. تمرکززدایی و تشکیل حکومت محلی فرآیندی پیچیده و طولانی است که جهت افزایش مشارکت تمامی افراد یک جامعه در فرایند توسعه بر اساس ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و منابع محل عمل می‌کند. در این راستا، تسلیوس (۲۰۲۳) گزارش کرده است که تمرکززدایی سیاسی رابطه مستقیمی با بهبود شرایط اقتصادی کشور دارد و در این راستا کیفیت حکمرانی نیز تاثیرگذار است. در مطالعه دیگری که در رابطه با کشور شوروی (سابق) و فروپاشی آن انجام شد، فوا اشاره دارد که افزایش تمرکززدایی سیاسی - اقتصادی با بهبود ظرفیت‌های محلی باعث بهبود کیفیت حکمرانی شده است که این یافته‌ها با نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر همخوانی دارد. در تمرکززدایی، دولت مرکزی اختیار تصمیم‌گیری را به نهادهای محلی که متصدیان آن‌ها توسط مردم همان محل انتخاب شده‌اند، واگذار می‌کند اما عملکرد آن‌ها تحت کنترل و نظارت حکومت مرکزی است. به عبارتی بهتر تمرکززدایی به اختیار عمل نسبی دولت‌های محلی در زمینه تعیین اهداف، تدارک منابع و اداره و اجرای سیاست‌های عمومی اشاره دارد. تمرکززدایی موجب تسهیل و تسریع در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود، رقابت بین دولت‌های محلی را افزایش می‌دهد، توسعه منطقه‌ای به همراه می‌آورد و با نزدیک کردن دولت به مردم موجب افزایش شفافیت و پاسخگویی می‌شود. موادی از قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور نیز به بحث تمرکززدایی اشاره کرده است. نتایج بدست آمده با یافته‌های فوا (۲۰۲۲)، لیو^۳ و همکاران (۲۰۱۹)، چن و همکاران (۲۰۲۲) و مادهانی^۴ (۲۰۲۰) مطابقت دارد.

¹. Liwanag & Wyss

². Helliwell

³. Liu

⁴. Madhani

همچنین توسعه اجتماعی، مدیریت اقتصادی و ارتقای مشارکت عمومی بعنوان راهبرد اصلی در رابطه با حکمرانی مطلوب شناسایی شد. توسعه اجتماعی در کنار مفاهیمی همچون نظم اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعلق اجتماعی و اعتماد اجتماعی معنا می‌یابد. توسعه اجتماعی از دیدگاه‌های متفاوت معناهای مختلفی را داراست از جمله: گذر از جامعه سنتی به صنعتی یا مدرن از طریق تقسیم کار که در نظر دورکیم مطرح بود و دیگرانی که آن را به معنی سرمایه اجتماعی، هویت انسانی، عقلانیت ارتباطی، اعتماد، انسان بودن و غیره می‌گرفتند. در ایران این مفهوم با شاخص‌های هویت و اعتماد اجتماعی بیشتر مدنظر بوده است. توسعه اجتماعی هسته اصلی نیازها و آمال «مردم سراسر جهان»، «هسته اصلی نیازها و آمال دولت‌ها»، و هسته اصلی نیازها و آمال کلیه بخش‌های «جامعه مدنی» را تشکیل می‌دهد. به لحاظ اقتصادی و اجتماعی، پربازده‌ترین سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها آن‌هایی هستند که به مردم بیشترین فرصت را در بهره گرفتن از توانایی‌ها، منابع و موقعیت‌ها می‌دهند. به نظر می‌رسد حکومت ایران در ایجاد اعتماد اجتماعی و توسعه اجتماعی چندان موفق عمل نکرده است. روند تدریجی کاهش نرخ مشارکت اجتماعی (در مواردی مانند انتخابات ریاست جمهوری یا انتخابات مجلس) حاکی از آن است که توسعه اجتماعی در کشور با مشکلات عدیده‌ای رو به رو است. در این راستا، نجفی و همکاران (۱۳۹۵) نیز اشاره دارند که سیاست‌گذاری‌های بعضا غیرواقع‌گرایانه در کشور و عدم اجرای بسیاری از خط‌مشی‌ها تاثیر منفی بر اقتصاد کشور گذاشته و این امر در کند بودن روند توسعه اجتماعی کشور دخیل بوده است. همچنین باید بیان کرد که مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن، شخصیت اجتماعی انسان‌ها شکل می‌گیرد و آنان را برای انجام کارهای مشترک گروهی آماده می‌سازد. مشارکت امری است که می‌تواند در ساحت‌های گوناگون از جمله همکاری سازگاری، پذیرش، همبستگی، همیاری، یکپارچگی و تعامل تحقق یابد. مولفه‌های شناسایی شده با یافته‌های رشیدی و همکاران (۱۴۰۰)، کامپاناله^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، کانار و فرانسیسکو^۲ (۲۰۱۹)، استپتو و همکاران (۲۰۱۹)، هلیول و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت دارد.

همچنین بر اساس نتایج بدست آمده تمرکززدایی محیطی بعنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شدند. نکته قابل ذکر در رابطه با شرایط مداخله‌گر این است که شرایط مذکور الزاما عوامل مختل‌کننده نیستند؛ بلکه عواملی هستند که نقش تعدیلگر را ایفا می‌کنند. بعبارت دیگر عوامل مداخله‌گر می‌توانند تاثیرات منفی یا مثبت داشته باشند. در رابطه با شرایط مداخله‌گر، شاخص‌هایی

۱..Campanale

۲..Canare & Francisco

شامل افزایش بهره‌وری فعالیت‌های بخش عمومی، مدیریت کارآمدتر منابع، تأمین مالی خود، تأمین مالی مشترک، درآمد از طریق مالیات، سیاست توسعه بازار، تأمین مالی برنامه‌های بخش دولتی از طریق بازار سرمایه، پاسخگویی، قدرت تخصیص منابع به فعالیت‌های مختلف، تغییر ساختار مخارج عمومی، بهبود بازیابی هزینه‌ها، کارایی بیشتر نظام مالی، اثربخشی، کنترل فساد، تغییر محل مشاغل، تغییر محل قدرت، تسهیل کنترل ملی، ایجاد تغییرات منطقه‌ای، ایجاد واحدهای سیاسی محلی، اصلاح نهادهای زیربنایی، و تسریع در تنظیم طرح‌های عمرانی شناسایی شد. بر اساس شواهد موجود این گونه به نظر می‌رسد که نظام حکمرانی ایران در بسیاری از شاخص‌های شناسایی شده در این پژوهش (مانند تأمین مالی مشترک، مدیریت کارآمد منابع، سیاست توسعه بازار، تأمین مالی برنامه‌های بخش دولتی از طریق بازار سرمایه) در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. این مشکل مختص کشور ایران نبوده و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز قابل مشاهده است. همانگونه که منصور (۲۰۲۱) اشاره دارد یکی از مشکلات کلیدی در تحقق حکمرانی مطلوب در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته، ضعف مدیریت در امور مالی-اقتصادی است که نه تنها تحقق حکمرانی مطلوب را به تأخیر می‌اندازد، بلکه باعث نوعی عدم اعتماد اجتماعی می‌شود. این یافته‌ها تا حد زیادی با نتایج منصور (۲۰۲۱)، گراهام (۲۰۱۹)، فوا (۲۰۲۲) و ماکارا (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

در رابطه با شایستگی بعنوان یکی از شرایط علی شناسایی شده در این پژوهش توصیه می‌شود که دولت، زمینه مشارکت مردم را فراهم آورد. با توجه به تبلیغات زیادی که در کشور در رابطه با مردم‌سالاری می‌شود اما کماکان پست‌های انتصابی کلیدی متعددی در ساختار دولت وجود دارد که لازم است در آن بازنگری انجام شود. از سوی دیگر، لازم در انتخابات‌های مختلف، شرایط برای ورود کاندیداهایی که مورد وثوق مردم هستند بیش از پیش فراهم شود.

در رابطه با شرایط زمینه‌ای توصیه می‌شود با دادن آزادی بیشتر به اصحاب رسانه، زمینه لازم برای توانمندسازی شهروندان فراهم شود. همچنین لازم است تریبون‌های بیشتری در اختیار نمایندگان اقشار مختلف جامعه اعم از جمعیت روستایی، اصناف و غیره قرار داده شود تا از این طریق زمینه حضور فعالانه‌تر آن‌ها فراهم آید.

در رابطه با شرایط مداخله‌گر توصیه می‌شود که نظام اقتصادی فدرالی حداقل به صورت آزمایشی در بخش‌هایی از کشور استفاده شود و از نتایج بدست آمده از چنین طرح‌های آزمایشی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری طولانی‌مدت استفاده شود. همچنین اکیدا توصیه می‌شود که با بازنگری

در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه ورود سرمایه خارجی به طرح‌های عمرانی دولت افزایش یابد.

در رابطه با راهبردها و با عنایت به مقوله‌هایی چون توسعه اجتماعی، مدیریت اقتصادی و ارتقای مشارکت عمومی توصیه می‌شود که با بکارگیری افراد متخصص (که به جد کمبود آن در دولت‌های ایران حس می‌شود) بهره‌وری نیروی انسانی و مهم‌تر از آن بهره‌وری پروژه‌های دولتی افزایش پیدا کند. از طرف دیگر پیشنهاد می‌شود که با توسعه فعالیت‌های مشترک دولتی-خصوصی، میزان جذب سرمایه و دانش فنی از بخش خصوصی افزایش پیدا کند؛ چرا که چنین مشارکت‌هایی خود یکی از مهم‌ترین رویکردهای تمرکززدایی به شمار می‌رود.

در رابطه با تمرکز زدایی اقتصادی-سیاسی بعنوان پدیده محوری این پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

کاستن از مرکزیت بیش از حد امور در پایتخت از جمله پیشنهادات این پژوهش است. در این راستا افزایش اختیارات به فرمانداری‌ها و استانداری‌ها می‌تواند در عمل، زمینه لازم برای تمرکززدایی اقتصادی-سیاسی را فراهم آورد.

حمایت از دموکراسی از طریق تقویت فعالیت احزاب سیاسی (به معنی واقعی نه احزاب نمایشی و تشریفاتی) می‌تواند راهکار بسیار موثری برای تحقق حکمرانی مطلوب در نظر گرفته شود.

در رابطه با بهبود کارایی و اثربخشی بعنوان یکی از پیامدها توصیه می‌شود که طرح‌های اقدامی چون تجزیه و تحلیل اطلاعات، گزارش‌دهی سیستماتیک اطلاعات، اطلاعات در مورد جریان‌های مالی، و جمع‌آوری منظم اطلاعات مالی در دستور کار دولت قرار گیرد. در این راستا مهم‌ترین توصیه‌ای که به دولت می‌شود گسترش دولت الکترونیک است؛ ایجاد یک شبکه ملی اطلاعات، افزایش اتوماسیون فعالیت‌های اداری و در مجموع استفاده حداکثری از فناوری اطلاعات و ارتباطات از مهم‌ترین توصیه‌هایی است که در این زمینه ارائه می‌شود.

این پژوهش سعی داشته است که با اتخاذ یک رویکرد اکتشافی، دیدگاه‌های جدیدی راجع به مولفه‌های دخیل در تمرکززدایی سیاسی-اقتصادی را ایجاد کند. سهم دانش‌افزایی این پژوهش معرفی طیف وسیعی از شاخص‌های مرتبط با تمرکززدایی سیاسی-اقتصادی است که در قالب شش بعد اصلی مدل پارادایمی ارائه شده است. نتایج بدست آمده در این پژوهش می‌تواند بینش جدید و عمیق‌تری در اختیار سایر پژوهشگران قرار دهد تا به ابعاد متنوعی از تمرکززدایی اقتصادی سیاسی

بپردازند. از طرف دیگر، در این پژوهش تمرکز زدایی در راستای تحقق حکمرانی مطلوب مورد توجه قرار گرفته است و برقراری ارتباط بین این دو مفهوم، خود می‌تواند درک بهتری راجع چگونگی تحقق حکمرانی مطلوب از مسیر تمرکززدایی ایجاد کند. انجام پژوهش‌های بیشتر می‌تواند تصویر جامع‌تری راجع به عوامل موثر در تحقق تمرکززدایی سیاسی-اقتصادی و دستیابی به حکمرانی مطلوب ایجاد کند.

منابع

- اسدبک، مهدی، رضایی منش، بهروز و شریف زاده، فتاح. (۱۴۰۲). واکاوی ابعاد مشارکت اجتماعی شهروندان در تحقق حکمرانی خوب. حکمرانی و توسعه، ۳(۲)، ۶۳-۸۸.
- اصغرپور، حسین، احمدیان، کسری و منیعی، امید. (۱۳۹۲). اثر بی ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ایران: رهیافت غیرخطی. APARCH. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۱(۶۸)، ۱۷۵-۱۹۴.
- برادران شرکاء، حمیدرضا و ملک الساداتی، سعید. (۱۳۹۷). تأثیر حکمرانی خوب (براساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب. مجله راهبرد، ۴(۱)، ۲۷-۵۲.
- تابع افشار، ساسان و قهرمانی، مسعود. (۱۳۹۸). تأثیر تمرکززدایی دولت بر کاهش فساد اداری با نقش میانجی استقرار دولت الکترونیک (مطالعه موردی: سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی). خنثی‌سازی عمومی در مدیریت، ۱۰ (پیاپی ۳۵ پاییز ۱۳۹۸)، ۳۵-۵۲.
- دقتی، عادل و یعقوبی، نورمحمد. (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار اثربخش حکمرانی شبکه‌ای در کشور. حکمرانی و توسعه، ۳(۲)، ۳۷-۶۲.
- رشیدی، سعید؛ کمانی، سید محمدحسین و موغلی، علیرضا (۱۴۰۰). تأثیر به‌کارگیری حکمرانی شبکه‌ای، بر عناصر مدیریت بحران در بلایای طبیعی در سازمان‌های مرتبط با بحران استان کهگیلویه و بویراحمد. مسکن و محیط روستا. (۱۷۳) ۸۸: ۴۰-۷۵.
- عزیزی، منصور؛ درسخوان، رسول و پورمحمدی، محمدرضا (۱۴۰۰). ارزیابی چارچوب هنجاری برنامه‌ریزی استراتژیک در تحقق حکمروایی خوب شهری در منطقه ۲۲ تهران. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۴: ۳۱-۵۴.

قدردانی، سیدمحمدرضا و اسلامی، روح الله (۱۴۰۰). جایگاه مدیریت محله محور در حقوق اداری ایران. حقوق اداری. ۹(۲۸): ۲۱۲-۱۸۹.

کشوردوست، سمانه (۱۴۰۰). واکاوی موانع و چالش‌های تحقق تمرکززدایی در چارچوب شوراهاى اسلامی در جمهوری اسلامی. سیاست‌گذاری عمومی، ۱۷۵-۱۹۷.

کوزه‌گر، ل؛ رضایی، م. (۱۳۹۸). «رهیافت توسعه؛ تمرکززدایی از حکومت ملی به حکومت محلی»، توسعه پایدار محیط جغرافیایی، سال اول، شماره ۱، صفحات ۹۲-۷۰.

محمدی، نریمان. (۱۴۰۰). تمرکز زدایی مالی و توسعه منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه کشور. فصلنامه پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه، ۱(۲)، ۷۸-۹۳.

نجفی، داوود، حاتمی، عباس و مسعودنیا، حسین. (۱۳۹۵). از ائتلاف اقتصادی تا انشعاب سیاسی: تحلیلی از رابطه سیاست و اقتصاد در دهه دوم انقلاب. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۶)، ۳-۲۰.

هاشمی پور نصری، زهرا؛ منصورى، فردین؛ غلامی جمکرانی، رضا و صفا، مژگان. (۱۴۰۲). تأثیر عوامل ناشی از ساختار سیاسی- اقتصادی کشور بر میزان چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵(۵۷)، ۲۳۹-۲۵۸.

References

- Beshi, T. D., & Kaur, R. (2020). Public trust in local government: Explaining the role of good governance practices. *Public Organization Review*, 20(2), 337-350.
- Campanale, C., Mauro, S. G., & Sancino, A. (2021). Managing co-production and enhancing good governance principles: insights from two case studies. *Journal of Management and Governance*, 25(1), 275-306.
- Canare, T., & Francisco, J. P. (2019). Decentralization, fiscal independence, and poverty in the Philippines. *Public Budgeting & Finance*, 39(4), 94-117.
- Chaudhary, D. (2019). The decentralization, devolution and local governance practices in Nepal: The emerging challenges and concerns. *Journal of Political Science*, 19, 43-64.

- Chen, S., Liu, X., & Lu, C. (2022). Fiscal decentralization, local government behavior, and macroeconomic effects of environmental policy. *Sustainability*, 14(17), 11069.
- Cii g U ())))))T ssss t fir vvrcccc”” ff rr l i bbb-Saharan Africa: insight into Windhoek, Namibia. *In Land Issues for Urban Governance in Sub-Saharan Africa* (pp. 17-34). Springer, Cham.
- Coccia, M. (2021). How a good governance of institutions can reduce poverty and inequality in society?. *In Legal-Economic Institutions, Entrepreneurship, and Management* (pp. 65-94). Springer, Cham.
- Ding, Y., McQuoid, A., & Karayalcin, C. (2019). Fiscal decentralization, fiscal reform, and economic growth in china. *China Economic Review*, 53, 152-167.
- Deghati, A., & Yaghoubi, N. (2023). Identifying Factors Affecting the Effective Establishment of Network Governance in the Country. *Governance and Development Journal*, 3(2), 37-62. doi: 10.22111/jipaa.2023.413209.1134
- Foa, R. S. (2022). Decentralization, historical state capacity and public goods provision in Post-Soviet Russia. *World Development*, 152, 105807.
- Graham, R. R. (2019). Still Dispersed and Decentralized? Evaluating the Influence and Implementation of Smart Growth in Mid-Sized Canadian Cities.
- Ghadrdani S, eslami R. The position of neighborhood-based management in administrative law in Iran. *qjal* 2021; 9 (28) :189-212.
- Helliwell, J. F., Huang, H., Grover, S., & Wang, S. (2018). Empirical linkages between good governance and national well-being. *Journal of Comparative Economics*, 46(4), 1332-1346.
- Jaja, T. C., & Aditya, Z. F. (2022). Promoting the Good Governance by Advancing the Role of Parliamentarians and the Term Offices Limitation (Comparing Nigeria and Indonesia). *JILS*, 7, 265-286
- Keping, Y. (2018). Governance and good governance: A new framework for political analysis. *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, 11(1), 1-8.
- Kuzegar, L.; Rezaei, M. (2018). "Development approach; Decentralization from national government to local government", sustainable development of geographic environment, first year, number 1, pages 70-92. (in Persian)
- Liu, J., Zhang, X., Lin, J., & Li, Y. (2019). Beyond government-led or community-based: Exploring the governance structure and operating models for reconstructing China's hollowed villages. *Journal of Rural Studies*.

- Liwanag, H. J., & Wyss, K. (2018). What conditions enable decentralization to improve the health system? Qualitative analysis of perspectives on decision space after 25 years of devolution in the Philippines. *PLoS One*, 13(11), e0206809.
- Madhani, P. M. (2020). Value Addition Through Good Governance in Corporate Sector: Role of Disclosure and Transparency.
- Makara, S. (2018). Decentralisation and good governance in Africa: A critical review. *African Journal of Political Science and International Relations*, 12(2), 22-32.
- Motilal, S., Maitra, K., & Prajapati, P. (2021). The Role of Public Practical Reasoning in Good Governance. In *The Ethics of Governance* (pp. 13-40). Springer, Singapore.
- Naylor, R. L., Higgins, M. M., Edwards, R. B., & Falcon, W. P. (2019). Decentralization and the environment: Assessing smallholder oil palm development in Indonesia. *Ambio*, 48(10), 1195-1208.
- Offri, Orr, & Anton, S. G. (2022). Fiscal Decentralization, Good Governance and Regional Development—Empirical Evidence in the European Context. *Sustainability*, 14(12), 7093.
- Permai, S. D., Christina, A., & Gunawan, A. A. S. (2021). Fiscal decentralization analysis that affect economic performance using geographically weighted regression (GWR). *Procedia Computer Science*, 179, 399-406.
- Rodríguez, V. E. (2018). Decentralization in Mexico: From reforma municipal to solidaridad to nuevo federalismo. *Routledge*.
- Shahbaz, M., Rizvi, S. K. A., Dong, K., & Vo, X. V. (2022). Fiscal decentralization as new determinant of renewable energy demand in China: The role of income inequality and urbanization. *Renewable Energy*.
- Steptoe, A., & Fancourt, D. (2019). Leading a meaningful life at older ages and its relationship with social engagement, prosperity, health, biology, and time use. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 116(4), 1207-1212.
- Tselios, V. (2023). Does political decentralization affect income inequality? The role of governance quality. *Regional Studies*, 57(5), 829-843.
- Zerbian, T., & de Luis Romero, E. (2023). The role of cities in good governance for the future: A strategy. *Territory, Politics, Governance*, 11(4), 794-812.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی